

ملاحظات اخلاقی در روان‌شناسی

مؤلفان

فیلیپ بانیارد

کارا فلاناگان

مترجمان

دکتر محمد کیاسالار

متخصص اخلاق پزشکی

دکتر حمیدرضا نمازی

متخصص اخلاق پزشکی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

ویراستار

دکتر بهزاد صادقان فرد



فهرست اجمالی

پژوهش‌های اینترنتی.....	۱۰۲	پیشگفتار.....	۹
پژوهش‌های حساس از منظر اجتماعی.....	۱۰۵	درست و غلط.....	
خلاصه.....	۱۱۴	تاثیر داوری اخلاقی بر مردم.....	۱۵
		ملاحظات اخلاقی.....	۲۰

۵ پژوهش روان‌شناسی بر سوژه‌های حیوانی

هیجان و منطق معیوب.....	۱۱۶
چند مثال درباره پژوهش بر سوژه‌های غیرانسانی.....	۱۱۶
مقررات پژوهش بر حیوان.....	۱۲۹
سودمندی: استدلال‌های علمی درباره استفاده از حیوانات در پژوهش.....	۱۳۴
استدلال اخلاقی درباره استفاده از حیوانات در پژوهش‌های علمی.....	۱۳۹
نتیجه‌گیری.....	۱۴۵
خلاصه.....	۱۴۵

۶ روان‌شناسی در مقام عمل

روان‌شناسی نظامی.....	۱۴۸
روان‌شناسان رسانه‌ای.....	۱۵۸
روان‌شناسان و درمان.....	۱۶۳
سخن صریح.....	۱۶۹
نتیجه‌گیری.....	۱۷۰
خلاصه.....	۱۷۲

۷ اخلاق و طرح پژوهشی شما

پژوهش خودتان.....	۱۷۳
پرسش‌های اخلاقی مهم در طراحی پروژه پژوهشی.....	۱۷۸
خلاصه.....	۱۸۱
نمایه	
کلید واژه‌ها.....	۱۸۳
اشخاص.....	۱۸۹
منابع.....	۱۹۳
بیشتر بخوانید.....	۲۰۳

۱ تاثیر داوری اخلاقی بر مردم

ملاحظات اخلاقی.....	۲۰
اخلاق چیست؟.....	۲۱
اخلاقی شدن و اخلاقی بودن.....	۳۲
چرا باید اخلاق بخوانیم؟.....	۳۵
خلاصه.....	۳۶

۲ شیوه مواجهه با مسئله‌های اخلاقی

اصول اخلاقی و ملاحظات ناشی از آنها.....	۳۸
توجیه پژوهش‌های غیراخلاقی.....	۵۳
راهکارهای مورد استفاده در مواجهه با مسئله‌های اخلاقی.....	۵۸
خلاصه.....	۶۲

۳ اصول و دستورالعمل‌های اخلاقی

قواعد و دستورالعمل‌های اخلاقی چیستند؟.....	۶۴
محدودیت‌های اصول اخلاقی در حل مسائل اخلاقی.....	۷۳
استفاده از اصول و دستورالعمل‌ها برای قضاوت درباره پژوهش‌ها.....	۸۳
خلاصه.....	۸۸

۴ پژوهش روان‌شناختی بر سوژه‌های انسانی

آزمایش‌ها و آزمایشگاه‌ها.....	۸۹
مطالعات میدانی.....	۹۰
آزمایش‌های طبیعی.....	۹۳
مطالعات مشاهده‌ای.....	۹۳
پیمایش پرسشنامه‌ای.....	۹۶
پژوهش با تحلیل همبستگی.....	۹۶
مطالعه موردی.....	۹۸
پژوهش بین‌فرهنگی.....	۱۰۰
مطالعات دارونما.....	۱۰۱

فهرست تفصیلی

جایگزین‌ها: نقش آفرینی ۶۰
 خلاصه ۶۲

اصول و دستورالعمل‌های اخلاقی ۶۳

قواعد و دستورالعمل‌های اخلاقی چیستند؟ ۶۴
 اصول اخلاقی و رفتاری انجمن روان‌شناسان بریتانیا ۶۴
 احترام ۶۵
 احترام عمومی ۶۶
 حریم خصوصی و محرمانگی ۶۷
 رضایت آگاهانه ۶۷
 آزادی عمل ۶۷
 صلاحیت ۶۸
 آگاهی از اخلاق حرفه‌ای ۶۸
 تصمیم‌گیری ۶۸
 تشخیص مرزهای صلاحیت ۶۹
 شناخت اختلال ۶۹
 مسئولیت‌پذیری ۶۹
 مسئولیت‌پذیری عمومی ۷۰
 تداوم مراقبت ۷۰
 حفاظت از شرکت‌کنندگان در پژوهش ۷۰
 اطلاع‌رسانی ۷۲
 شرافت و درست‌کاری ۷۲
 صداقت و دقت ۷۲
 پرهیز از سوءاستفاده و تعارض منافع ۷۲
 مراعات مرزهای شخصی ۷۳
 اظهار سوءرفتار اخلاقی ۷۳
 محدودیت‌های اصول اخلاقی در حل مسائل اخلاقی ۷۳
 رضایت کاملاً آگاهانه ۷۴
 فریب‌کاری ۷۵
 محرمانگی ۷۶
 بهبود کیفیت زندگی ۷۷
 نژادپرستی ۷۹
 تبعیض جنسی ۸۰
 کاربردهای پژوهش‌های روان‌شناختی ۸۲
 گفتگو با رسانه‌ها ۸۲
 استفاده از اصول و دستورالعمل‌ها برای قضاوت دربارهٔ پژوهش‌ها ۸۳
 میل‌گرم مرد شریفی بود! ۸۳
 زیمباردو و زندان شبیه‌سازی شده‌اش ۸۵
 هیاهو برای هیچ؟ ۸۸
 خلاصه ۸۸

درست و غلط ۱۵

تأثیر داوری اخلاقی بر مردم ۱۵
 افسانهٔ سه‌گانه ۱۶
 هنری مولایسون ۱۷
 ملاحظات اخلاقی ۲۰
 اخلاق چیست؟ ۲۱
 فعل، فاعل، نتیجه فعل و نیت یا انگیزه فاعل ۲۳
 حق و ارزش ۲۹
 حقوق فرد یا حقوق جامعه؟ ۳۱
 اخلاقی شدن و اخلاقی بودن ۳۲
 چگونه اصول اخلاقی خود را شکل می‌دهیم؟ ۳۲
 الزام‌های قانونی و هنجارهای حرفه‌ای ۳۴
 اصول، رهنمودها و ملاحظات ۳۴
 چرا باید اخلاق بخوانیم؟ ۳۵
 خلاصه ۳۶

شیوهٔ مواجهه با مسئله‌های اخلاقی ۳۷

اصول اخلاقی و ملاحظات ناشی از آنها ۳۸
 دیدگاه شرکت‌کننده ۴۰
 احترام، اتونومی و فریب‌کاری ۴۰
 زبان ۴۱
 حریم خصوصی ۴۵
 محرمانگی ۴۸
 سوزها و شرکت‌کنندگان ۴۹
 دیدگاه پژوهشگر ۵۰
 دیدگاه حرفه ۵۱
 دیدگاه جامعه ۵۳
 توجیه پژوهش‌های غیراخلاقی ۵۳
 فریب‌هایی که آنقدرها هم فریب نیستند! ۵۴
 اعتبار داده‌های پژوهش ۵۵
 هزینه‌ها و فایده‌ها ۵۶
 آیا می‌توانیم هزینه‌ها و فایده‌های پژوهش را پیش‌بینی کنیم؟ ۵۶
 آیا می‌توانیم هزینه‌ها و فایده‌های پژوهش را اندازه‌گیری کنیم؟ ۵۷
 چه کسی محاسبه می‌کند؟ ۵۷
 برنده کیست؟ ۵۷
 آیا تحلیل هزینه-فایده سودمند است؟ ۵۸
 راهکارهای مورد استفاده در مواجهه با مسئله‌های اخلاقی ۵۸
 ۵۸
 کمیته‌های اخلاق ۵۸
 استفاده از رهنمودها و قوانین اخلاقی ۵۹
 اطلاع‌رسانی ۵۹
 حق انصراف ۵۹
 راه‌های کسب رضایت بدون پرسش ۶۰

پژوهش روان‌شناختی بر سوژه‌های انسانی.. ۸۹

آزمایش‌ها و آزمایشگاه‌ها ۸۹
 مطالعات میدانی ۹۰
 آزمایش‌های طبیعی ۹۳
 مطالعات مشاهده‌ای ۹۳
 پیمایش پرسشنامه‌ای ۹۶
 پژوهش با تحلیل همبستگی ۹۶
 مطالعه موردی ۹۸
 پژوهش بین‌فرهنگی ۱۰۰
 مطالعات دارونما ۱۰۱
 پژوهش‌های اینترنتی ۱۰۲
 پژوهش‌های حساس از منظر اجتماعی ۱۰۵
 جنسیت ۱۰۶
 حساسیت فرهنگی ۱۰۷
 آیا باید از پژوهش‌های حساس اجتماعی اجتناب کرد؟ ۱۱۱
 خلاصه ۱۱۴

پژوهش روان‌شناسی بر سوژه‌های حیوانی ۱۱۵

هیجان و منطق معیوب ۱۱۶
 چند مثال درباره پژوهش بر سوژه‌های غیرانسانی... ۱۱۶
 میمون‌های هارلو ۱۱۷
 مطالعات هارلو درباره افسردگی ۱۱۹
 آموزش کنش‌گر ۱۲۰
 محرومیت حسی ۱۲۲
 مطالعات میدانی ۱۲۴
 مشاهدات طبیعت‌گرایانه ۱۲۵
 پژوهش‌های اعتیاد و دارو ۱۲۵
 توارث ژنتیکی ۱۲۷
 تفسیر ۱۲۸
 مقررات پژوهش بر حیوان ۱۲۹
 قانون‌گذاری ۱۲۹
 اصل ۳ ۱۳۰
 اصل رفتاری ۱۳۰
 دیدگاه ۱۳۲
 سودمندی: استدلال‌های علمی درباره استفاده از حیوانات در پژوهش ۱۳۴
 تمهیم رفتار حیوان به رفتار انسان ۱۳۴
 تفسیر ۱۳۵
 تمهیم فیزیولوژی حیوان به فیزیولوژی انسان ۱۳۵
 تفسیر ۱۳۶
 جایگزین‌های استفاده از حیوانات ۱۳۷
 استدلال اخلاقی درباره استفاده از حیوانات در پژوهش‌های علمی ۱۳۹
 نسبی‌گرایی اخلاقی ۱۳۹
 ارزیابی درد و رنج ۱۴۰
 سودگرایی ۱۴۰
 حس آگاهی ۱۴۲
 جنبش حقوق حیوانات ۱۴۲

دفاع از گونه پرستی ۱۴۳
 پاسخ سینگر ۱۴۳
 دیدگاه مطلق‌گرا؛ قفس‌های خالی ۱۴۴
 نتیجه‌گیری ۱۴۵
 خلاصه ۱۴۵

۶ روان‌شناسی در مقام عمل ۱۴۷

روان‌شناسی نظامی ۱۴۸
 حیوانات در جنگ ۱۴۹
 محرومیت حسی ۱۵۱
 خلیج گوانتانامو ۱۵۲
 اخلاق بازجویی ۱۵۵
 ملاحظات اخلاقی در روان‌شناسی نظامی ۱۵۷
 روان‌شناسان رسانه‌ای ۱۵۸
 در ذهن پل گاسکوین ۱۶۰
 روان‌شناسان برنامه «برادر بزرگ» ۱۶۱
 بریتنی اسپیرز و دکتر فیل ۱۶۲
 روان‌شناسان و درمان ۱۶۳
 قربانی‌سازی ۱۶۴
 راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM) ۱۶۶
 شادکامی ۱۶۸
 ارتباط با مراجعان ۱۶۸
 سخن صریح ۱۶۹
 نتیجه‌گیری ۱۷۰
 خلاصه ۱۷۲

۷ اخلاق و طرح پژوهشی شما ۱۷۳

پژوهش خودتان ۱۷۳
 شرکت‌کنندگان ۱۷۴
 داده‌ها ۱۷۵
 پرسش پژوهش ۱۷۷
 ماجرا هنوز تمام نشده! ۱۷۸
 پرسش‌های اخلاقی مهم در طراحی پروژه پژوهشی ۱۷۸
 طرح ۱۷۸
 انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش ۱۷۸
 پژوهش حساس ۱۷۹
 خطر آسیب جسمی یا عاطفی ۱۷۹
 رضایت آگاهانه ۱۷۹
 حفاظت از پژوهشگران و شرکت‌کنندگان ۱۸۰
 حفاظت از اطلاعات ۱۸۰
 خلاصه ۱۸۱

نمایه

کلیدواژه‌ها ۱۸۳
 اشخاص ۱۸۹
 منابع ۱۹۳
 بیشتر بخوانید ۲۰۳

فهرست کادرها

۲۰.....	کد نورمیرگ (۱۹۴۶).....	کادر ۱-۱
۲۵.....	دیدگاه‌های اخلاقی.....	کادر ۲-۱
۲۸.....	طرح کلی اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل (۱۹۴۸).....	کادر ۳-۱
۳۸.....	آزمایش فرمانبرداری میلگرم.....	کادر ۱-۲
۴۰.....	جنی.....	کادر ۲-۲
۴۲.....	مطالعه دوئک (۱۹۷۵) درباره انجام تکالیف مدرسه.....	کادر ۳-۲
۵۰.....	یک دوراهی واقعی.....	کادر ۴-۲
۵۰.....	آقای سیریل برت.....	کادر ۵-۲
۵۱.....	فرمانبرداری در خیابان‌های نیویورک.....	کادر ۶-۲
۵۵.....	آیا همیشه حق با کمیته اخلاق است؟.....	کادر ۷-۲
۶۵.....	گستره نگرانی‌های اخلاقی که توسط انجمن روان‌شناسان بریتانیا در سال ۲۰۰۹ شناسایی و اعلام شد.....	کادر ۱-۳
۶۶.....	اظهار ارزش‌ها (انجمن روان‌شناسان بریتانیا، ۲۰۰۹).....	کادر ۲-۳
۶۸.....	مسئله صلاحیت.....	کادر ۳-۳
۹۵.....	مطالعه وایت (۱۹۴۳) درباره دار و دسته‌های خیابانی در ایتالیا.....	کادر ۱-۴
۹۸.....	جنایت در نیویورک.....	کادر ۲-۴
۱۱۰.....	دستورالعمل‌هایی درباره تحصیل، تربیت، تحقیق و طبابت در زمینه چندفرهنگی، همراه با تغییرات سازمانی برای روان‌شناسان (انجمن روان‌شناسان آمریکا، ۲۰۰۲).....	کادر ۳-۴
۱۲۴.....	در پژوهش‌ها از کدام حیوانات استفاده می‌شود؟.....	کادر ۱-۵
۱۲۸.....	قانون استفاده از حیوانات در فرایندهای علمی (۱۹۸۶).....	کادر ۲-۵
۱۳۳.....	درماندگی آموخته‌شده.....	کادر ۳-۵
۱۳۷.....	وقتی پژوهش بر حیوانات در روان‌شناسی قابل قبول است.....	کادر ۴-۵
۱۵۸.....	پیشنهاد‌های کیت‌اشپیگل و کوچر (۱۹۸۵) به روان‌شناسان برای تعامل مطلوب با رسانه‌ها.....	کادر ۱-۶

فهرست تمرین‌های فکری

۲۳.....	تمرین فکری ۱-۱.....	۱
۲۴.....	تمرین فکری ۲-۱.....	
۳۳.....	تمرین فکری ۳-۱.....	

۴۳.....	تمرین فکری ۱-۲.....	۲
۴۶.....	تمرین فکری ۲-۲.....	
۴۷.....	تمرین فکری ۳-۲.....	
۵۱.....	تمرین فکری ۴-۲.....	

۷۱.....	تمرین فکری ۱-۳.....	۳
۷۴.....	تمرین فکری ۲-۳.....	
۷۸.....	تمرین فکری ۳-۳.....	
۸۱.....	تمرین فکری ۴-۳.....	

۹۲.....	تمرین فکری ۱-۴.....	۴
۹۵.....	تمرین فکری ۲-۴.....	
۱۰۰.....	تمرین فکری ۳-۴.....	
۱۰۳.....	تمرین فکری ۴-۴.....	
۱۰۳.....	تمرین فکری ۵-۴.....	

۱۲۰.....	تمرین فکری ۱-۵.....	۵
۱۲۲.....	تمرین فکری ۲-۵.....	
۱۲۶.....	تمرین فکری ۳-۵.....	
۱۴۱.....	تمرین فکری ۴-۵.....	

۱۴۸.....	تمرین فکری ۱-۶.....	۶
۱۵۰.....	تمرین فکری ۲-۶.....	
۱۵۶.....	تمرین فکری ۳-۶.....	
۱۵۷.....	تمرین فکری ۴-۶.....	
۱۶۳.....	تمرین فکری ۵-۶.....	
۱۶۷.....	تمرین فکری ۶-۶.....	

۱۷۴.....	تمرین فکری ۱-۷.....	۷
----------	---------------------	---

فهرست شکل‌ها و نمودارها

- ۲۲..... قضاوت درست و غلط..... **نمودار ۱-۱**
- ۲۷..... چاپ اعلامیه حقوق بشر در روزنامه، سال ۱۹۴۸..... **شکل ۲-۱**
- برادر بزرگ دارد شما را نگاه می‌کند! وقتی شما این جمله را می‌شنوید، احتمالاً یاد یکی از سربال‌های تلویزیونی می‌افتید اما خاستگاه این جمله، در واقع، کتاب ۱۹۴۸ جورج اورول است و منظور از این جمله، آن است که همه ما تحت نظارت دائمی هستیم و هیچ حریم شخصی و خصوصی‌ای نداریم..... **شکل ۱-۲**
- ۴۴.....
- ۵۵..... یک کمیته اخلاق ناکارآمد..... **شکل ۲-۲**
- ۱۰۵..... مقایسه توزیع وابستگی به عروسک یا اسباب‌بازی فرضی در دختران و پسران..... **نمودار ۱-۴**
- معمولاً از عکس چهره حیوانات برای تحریک هیجانی عمومی علیه استفاده از حیوانات در پژوهش‌های علمی استفاده می‌شود..... **شکل ۱-۵**
- ۱۱۶.....
- هارلو نشان داد که اهمیت تماس فیزیکی در رشد هیجانی میمون‌هایی که مادران فلزی داشتند، بسیار زیاد است. او مشاهده کرد که میمون‌ها ترجیح می‌دهند مادری را انتخاب کنند که پوشش نرم‌تری دارد. از نظر او، این یافته حاکی از اهمیت تماس فیزیکی، نوازش و آسایش در رشد عاطفی بود. اما به هر حال، میمون‌های مذکور دچار آسیب‌های مادام‌العمر می‌شدند و تا پایان زندگی خود با اختلالات هیجانی درگیر بودند. هارلو این مسئله را عمدتاً ناشی از فقدان احساسات و عواطف دوطرفه بین میمون‌ها و مادرشان می‌دانست. (زیست‌شناسی رفتاری، چاپ مجدد، ۱۲، هارلو، اچ‌اف و سامی، اس‌جی، افسردگی القایی در میمون‌ها، ۲۹۶-۲۷۳، ۱۹۹۴، با اخذ مجوز از الزویر)..... **شکل ۲-۵**
- ۱۱۸.....
- دستگاه عمودی یک لانه V شکل از جنس فولاد ضدزنگ بود که حاشیه‌هایی لغزنده و قاعده‌ای مدور داشت. یک اینچ بالاتر از این قاعده مدور، کف دیگری وجود داشت که سوراخ‌سوراخ بود تا بتواند فضولات و مواد زاید بدن حیوان را زهکشی کند. داخل دستگاه، جایی برای استقرار جعبه غذا و بطری آب هم تعبیه شده بود. سقف دستگاه، هر می شکل بود و به گونه‌ای طراحی شده بود که حیوان پس از قرار گرفتن در دستگاه از تلاش برای نجات و خروج از دستگاه ناامید می‌شد..... **شکل ۳-۵**
- ۱۱۹.....
- آزمایش‌هایی که در بریتانیا بر روی حیوانات انجام می‌شود، ۲۰۰۹-۱۹۷۵. منبع اطلاعات: وزارت کشور؛ نمودار درک پژوهش بر روی حیوانات..... **نمودار ۴-۵**
- ۱۲۳.....
- توزیع گونه‌های حیوانی مورد استفاده در پژوهش‌های علمی بریتانیا. منبع اطلاعات: وزارت کشور؛ نمودار درک پژوهش بر حیوانات..... **نمودار ۵-۵**
- ۱۲۴.....
- تصویربرداری از طریق MRI کارکردی (fMRI) برای مطالعه ساختار و رفتار مغز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تصویربرداری، مناطقی از مغز که سرشار از اکسیژن هستند، به چشم می‌خورند و فعالیت بخش‌های فعال‌تر مغز را بازتاب می‌دهند..... **شکل ۶-۵**
- ۱۲۵.....
- نموداری که درصد حمایت از پژوهش بر حیوانات را بر مبنای زمینه پژوهش نشان می‌دهد **شکل ۷-۵**
- ۱۳۸..... استفاده از تکنیک محرومیت حسی در کمپ شکنجه زندانیان گوانتانامو..... **شکل ۱-۶**
- ۱۵۳.....

پیشگفتار

خوب یا بد؟ درست یا غلط؟ خدمت یا خیانت؟ ما چگونه اینها را باز می‌شناسیم؟ و چگونه درباره رفتار دیگران داوری می‌کنیم؟

علم اخلاق، قواعد و قوانینی را در اختیار ما می‌گذارد که به کمک آنها می‌توانیم اینگونه داوری‌ها را انجام دهیم. البته در بیشتر موارد نمی‌توانیم پاسخ قطعی و روشنی به پرسش‌های بالا بدهیم. این مسئله‌ای است که می‌تواند هم امیدوارکننده باشد، هم ناامیدکننده. کتابی که در دست دارید، کوشیده است زمینه‌ای را برای مخاطبانش فراهم آورد تا آنها بتوانند خود را در موقعیت داوری و قضاوت قرار دهند و نظر خود را درباره مسئله‌های اخلاقی در حوزه روان‌شناسی ابراز کنند.

به نظر می‌رسد بسیاری از پژوهش‌های روان‌شناختی که در سوژه‌های انسانی و حیوانی به انجام رسیده، «زیان‌بار» بوده است. برخی از این پژوهش‌ها را حتی می‌توان «ظالمانه» خواند. به عنوان نمونه، گروهی از پژوهشگران که در زمینه حافظه تحقیق می‌کردند، فردی را به عنوان سوژه پژوهش خود انتخاب کردند که بیش از ۴۰ سال از ضعف شدید حافظه و قوای شناختی رنج می‌برد. او به خاطر وضعیت ویژه‌اش هرگز قادر نبود رضایت یا عدم رضایت آگاهانه‌اش را به پژوهشگران اعلام کند. حال، پرسش این است که آیا چنین تحقیقی را بر روی چنین فردی می‌توان اخلاقی دانست؟

هری هارلو، روان‌شناس تطبیقی، پس از مطالعه بر روی میمون‌ها و جداسازی آنها از اجتماع خود به این نتیجه رسید که این انزوا می‌تواند استرس شدید و پایداری را به میمون‌ها تحمیل کند. حال، پرسش این است که حتی اگر چنین یافته‌ای برای انسان‌ها سودمند باشد، آیا می‌توان چنین تحقیقی را اخلاقی دانست؟ اگر شما به عنوان روان‌شناس قادر باشید با استفاده از تکنیک‌های روان‌شناختی، مقاومت انسان را طوری در هم بشکنید که او تمام اطلاعات محرمانه‌اش را برای شما فاش کند - حتی اگر افشای این اطلاعات به شما یا کشورتان سود برساند - آیا شما چنین کاری را انجام می‌دهید یا نه؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است، چرا؟ و اگر پاسخ‌تان منفی است، به چه دلیل؟

پاسخگویی به این پرسش‌های اخلاقی، آسان نیست. پیگیری چنین پرسش‌هایی ما را با دوره‌های اخلاقی متعددی مواجه می‌کند. این کتاب می‌کوشد با بهره‌گیری از مثال‌ها و مصداق‌های روان‌شناسی، نگاه تازه‌ای به این عرصه‌ها بیندازد:

- ملاحظات مهم اخلاقی؛
- دستورالعمل‌های اخلاقی در حوزه روان‌شناسی؛
- تحقیق‌های حساسیت‌برانگیز از منظر اجتماعی؛
- اخلاق در روان‌شناسی کاربردی؛ و
- استفاده از حیوانات در پژوهش‌های علمی.

مطالعه این کتاب به دانشجویان و دانش‌آموختگان روان‌شناسی، فلسفه، اخلاق و جامعه‌شناسی توصیه می‌شود.

فیلیپ بانیارد، استاد روان‌شناسی دانشگاه ناتینگهام ترنت، سوابق درخشانی در تدریس روان‌شناسی در سطوح مختلف دارد. کارا فلاناگان نیز استادی است که تألیفات متنوعی در زمینه روان‌شناسی، اخلاق و روش تحقیق دارد و در کنفرانس‌های متعددی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان روان‌شناسی سخنرانی و تدریس کرده است.

مقدمه ناشر

هدف بنیاد روان‌شناسی از انتشار مجموعه کتاب‌هایی که کتاب «ملاحظات اخلاقی در روان‌شناسی» نیز یکی از آنهاست؛ چیزی جز این نیست که سطح آگاهی دانشجویان روان‌شناسی و علاقمندان به این رشته را در سایر زمینه‌های مهم و مرتبط ارتقا دهد. اگرچه کتاب‌های این مجموعه معمولاً از سطح مباحث متعارف در این حوزه فراتر می‌روند؛ بیشتر خوانندگان، این کتاب‌ها را ملموس و قابل درک توصیف می‌کنند. کتاب‌های این مجموعه با این هدف به رشته تحریر درآمده‌اند که فاصله بین کتاب‌های مرجع (که غالباً برای مخاطبان عام، دشوار و دیرپاب هستند) و کتاب‌های عامه‌پسند (که غالباً برای مخاطبان خاص، نازل و کم‌ارزش هستند) را پر کنند.

مولفان کتاب‌های این مجموعه عبارتند از:
فیلیپ بانیارد، استاد روان‌شناسی دانشگاه ناتینگهام ترنت؛ و
کارا فلاناگان، مولف و سخنران و استاد روان‌شناسی.

مقدمه مؤلفان

این کتاب، ویرایش تازه‌ای از کتاب پیشین مادر باب ملاحظات اخلاقی است. مامتن این کتاب را بر مبنای تازه‌ترین ویراست اصول اخلاقی که از سوی انجمن روان‌شناسان بریتانیا منتشر شده، به‌روزرسانی و بازنویسی کرده‌ایم. به علاوه، مثال‌های متعدد و مستندی را در کتابمان گنجانده‌ایم تا خوانندگانمان را با معضلات اخلاقی که در عالم واقع به وقوع می‌پیوندند، آشنا کنیم؛ معضلاتی که معمولاً سروکله‌شان در روند پژوهش‌ها پیدا می‌شود.

ما به عنوان مؤلفان این کتاب باید از همراهمان در انتشارات روتلج (لوسی کندی، ربکا ادموندسون و شارلا پلاننت) که صبورانه و صمیمانه در طول تالیف این کتاب، همراهمان بوده‌اند، تشکر کنیم. کارا فلاناگان به‌طور اختصاصی از همسر و فرزندانش نیز تشکر می‌کند که نشستن‌های بی‌وقفه‌اش پای کامپیوتر را تاب آورده‌اند! او می‌گوید علاوه بر همسر و فرزندانش باید از دیگر مؤلف این کتاب (فیلیپ بانبارد) هم به خاطر ایده‌ها و نوشته‌هایش قدردانی کند. و من (فیلیپ بانبارد) دلم می‌خواهد از تمام آنهایی که در طول تالیف این کتاب همراهی‌ام کرده‌اند، قدردانی کنم؛ خانواده، همکاران، دوستان و دانشجویانم که تمام کج‌خلقی‌ها و غرولندهایم را ندیده و نشنیده گرفتند؛ کج‌خلقی‌ها و غرولندهایی که باعث و بانی‌اش اینها بوده‌اند: روان‌شناسان رسانه‌ای، کارشناسان هواشناسی و تیم فوتبال ناتینگهام فارست! به علاوه، دلم می‌خواهد از دیگر مؤلف این کتاب (کارا فلاناگان) هم به خاطر صبر و تحمل شگفت‌انگیزش تشکر و آرزو کنم که سهم اندکی از صبر و تحمل او نصیب من شود.

فیلیپ بانبارد

ملاحظات اخلاقی در روان شناسی

فیلیپ بانیارد و کارا فلاناگان

درست و غلط

آنچه در این فصل می آموزید:

- منظور از اخلاق چیست؟
- چگونه کدهای اخلاقی را تبیین می کنیم؟
- حقوق بشر چیست و از چه منبعی سرچشمه می گیرد؟
- کدهای اخلاق حرفه‌ای از کدام ایده‌های بنیادین سرچشمه می گیرند؟

در این فصل، به این بحث می پردازیم که مراد از **اخلاق**^(۱) چیست و مفاهیمی مانند نسبی گرایی، سودگرایی، ملاحظاتی اخلاقی، رهنمودهای اخلاقی و حقوق بشر به چه مصادیقی اشاره دارند. از آنجا که درک و دریافت این مفاهیم و مصادیق شان ممکن است برای برخی خوانندگان این کتاب دشوار باشد، تلاش می کنیم با ارائه مثال های متعدد و متنوع نشان دهیم که چگونه روان شناسان می توانند اصول اخلاقی مورد نیازشان را از خلال مباحث مطرح شده در این فصل به دست آورند.

تأثیر داوری اخلاقی^(۲) بر مردم

هر فردی که با مردم سرو کار دارد، ناخودآگاه درباره رفتار آنها داوری می کند و در ضمن می کوشد درک درستی از تأثیر رفتارهای خودش بر افرادی که با آنها سرو کار دارد، به دست

1. Ethics
2. Ethical Judgement

آورد. اما عوامل مختلفی وجود دارند که می‌توانند بر این داوری تأثیر بگذارند و منجر به رفتارها و تصمیم‌گیری‌های سؤال‌برانگیز شوند. ریشه این سؤال‌ها، کدهای اخلاقی^(۱) است. در ادامه این بحث، با دو شاهد زنده در پژوهش‌های علمی آشنا می‌شوید که منجر به شکل‌گیری دغدغه‌های اخلاقی^(۲) شده‌اند.

افسانه سه گانه

در سال ۱۹۹۸ میلادی، مجله پزشکی لنست، مقاله‌ای بحث‌برانگیز از یک تیم تحقیقاتی به سرپرستی دکتر آندرو ویکفیلد (پزشک و پژوهشگر رویال هاسپیتال لندن) منتشر کرد. در پی انتشار این مقاله، یک نشست مطبوعاتی برگزار شد و دکتر ویکفیلد به تشریح مفاد مقاله‌اش پرداخت. ادعای آن مقاله، این بود که بین واکسن سه‌گانه (ثلاث یا MMR) و اختلالات مغزی و گوارشی کودکان، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. تیم تحقیقاتی دکتر ویکفیلد مدعی شده بود که ۱۲ نفر از کودکانی که واکسن سه‌گانه (MMR) را تزریق

کلیدواژه‌ها

اخلاق: قواعد و قوانینی که به کمک آنها می‌توانیم درست و غلط را از همدیگر تمیز دهیم و رفتارهایمان را به شکل مطلوبی سامان بخشیم.

اوتیسم: یک اختلال رشدی که معمولاً نخستین نشانه‌هایش در دوران کودکی آشکار می‌شود و از بارزترین علایم می‌توان به اجتناب از روابط اجتماعی، اجتناب از روابط اجتماعی، رشد زبانی غیرعادی... و رفتارهای «کلیشه‌ای» یا نامتعارف نظیر تکان دادن پاندولی اشاره کرد.

کرده‌اند، دچار **اوتیسم** شده‌اند. انتشار این گزارش باعث شد بسیاری از والدین نگران شوند و از تزریق این واکسن به فرزندان‌شان اجتناب کنند. طبق گزارش رسمی وزارت بهداشت انگلستان، آمار کودکان انگلیسی که این واکسن به آنها تزریق شده بود، از ۸۵ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۶۵ درصد در سال ۲۰۰۳ تقلیل یافت.

برای هر پرومادری که دلش برای سلامت نوزادش می‌تپد، تصمیم‌گیری درباره واکسیناسیون یا عدم واکسیناسیون او امری مهم و حیاتی است. به طور طبیعی هر پدر یا مادری که تصور کند واکسیناسیون نوزادش ممکن است با خطر ابتلای او به یک بیماری خاص همراه باشد، در تصمیم‌گیری برای ایمن‌سازی فرزندش مردد می‌شود. به هر حال، بازتاب رسانه‌ای چشمگیری که آن خبر پیدا کرد، باعث شد علامت سؤال بزرگی در ذهن بسیاری از والدین شکل بگیرد؛ در حالی که پشت پرده این ماجرا چیز دیگری بود.

این پرونده برای مدتی نسبتاً طولانی در نظام پزشکی انگلستان (GMC) پیگیری و بررسی شد و در نهایت، حکم دکتر آندرو ویکفیلد در سال ۲۰۱۰ با قطعیت صادر شد. به موجب این حکم، دکتر ویکفیلد به خاطر «رفتار غیراخلاقی» مجرم شناخته شد. (شرح کامل این ماجرا را می‌توانید در تارنمای «سندی‌تایمز» یا وبلاگ «برایان دیر» روزنامه‌نگاری که جزئیات این پرونده را پیگیری و افشا کرد، بخوانید.)

1. Code of Ethics
2. Ethical Concerns

کارشناسان این پرونده پزشکی، پس از ۱۹۷ روز تحقیق و بازپرسی، به این نتیجه رسیدند که تمام اظهارات و یکفیلد غیراخلاقی، غیرمسئولانه و غیرمؤثق بوده است. به علاوه، گزارشی که برای مجله لنست ارسال شده بود، متکی بر پژوهشی بود که نه تأیید اخلاقی^(۱) داشت، نه تأیید علمی.

خلاصه ماجرا این بود که پیش از آغاز این پژوهش، توافق‌های پنهانی بین ویکفیلد و یک تیم حقوقی صورت گرفته بود تا شواهدی علیه چند شرکت داروسازی تهیه شود؛ شواهدی که قرار بود در دعوی حقوقی دیگری مورد استفاده قرار گیرد. ویکفیلد برای جعل و تأمین چنین شواهدی بیش از ۵۰۰ هزار پوند دستمزد دریافت کرد. به علاوه، جایگزین خودساخته‌ای را نیز برای واکسن سه‌گانه (MMR) که انتظار داشت از سبب واکسن‌ها حذف شود، تولید و معرفی کرد. او حتی در انتخاب سوژه‌های پژوهش خود نیز سوگیرانه رفتار کرده بود. کودکانی که در پژوهش او حضور داشتند، از میان کودکانی انتخاب شده بودند که والدین‌شان از این شیوه واکسیناسیون ناراضی بودند. ضمن اینکه پژوهش او مورد تأیید کمیته اخلاق بیمارستانی^(۲) نیز نبود. علاوه بر تمام این موارد، آنچه در گزارش نهایی او اعلام شد، با یافته‌های واقعی پژوهش او همخوانی نداشت.

یافتن پژوهش دیگری که تا این حد با قواعد «اخلاق در پژوهش» مغایرت داشته باشد، آسان نیست. مع‌الوصف و مع‌الاسف، بسیاری از روزنامه‌هایی که اظهارات اولیه ویکفیلد را منتشر کرده بودند، از انعکاس این اخبار خودداری کردند و همچنان به همراهی خود با پوشش «نه به واکسن سه‌گانه» ادامه دادند. در اینجا مسائل مربوط به اخلاق رسانه نیز برجسته می‌شود، اما این حوزه بحث مجزایی است که نیاز به کتابی دیگر دارد.

هنری مولایسون

داستان زندگی هنری مولایسون، ماجرای متفاوتی است که از منظر دیگری با چالش‌های اخلاقی متعدد همراه بوده است. از هنری مولایسون معمولاً با نام اختصاری HM یاد می‌شود که مخفف نام و نام خانوادگی اوست. او در سال ۲۰۰۸ در گمنامی چشم از جهان فروبست؛ در حالی که سال‌ها سوژه پژوهش‌های روان‌شناسی بود. گزارش مورد او در بسیاری از متون روان‌شناسی تحت عنوان مردی که حافظه‌اش را پس از جراحی مغزش از دست داد، آمده است. او در میان روان‌شناسان و متخصصان مغز و اعصاب، چهره مهم و سرشناسی است که «احتمالاً درباره او بیشتر از هر فرد دیگری در متون روان‌شناسی و نورولوژی مطلب نوشته شده است» (اوگدن و کورکین، ۱۹۹۱، صفحه ۱۹۵).

همانطور که اشاره شد، در متون علمی معمولاً از هنری مولایسون با نام اختصاری HM یاد

1. Ethical Approval

2. Hospital Ethics Committee

می‌شده که مخفف نام و نام خانوادگی او بوده است. هدف از این کار ظاهراً رعایت موازین اخلاق پزشکی و خودداری از افشای هویت واقعی هنری مولایسون بوده اما وقتی داستان زندگی او را می‌خوانید و می‌بینید که برخی پزشکان و روان‌شناسان چه بلایی بر سر او آورده‌اند، دچار تردید می‌شوید. هنری مولایسون در سال ۱۹۲۶ به دنیا آمد و هنگامی که به سن ۷ سالگی رسید، متعاقب یک ضربه مغزی شدید دچار حمله‌های متوالی صرع شد. تشنج‌های او به مرور زمان شدید و شدیدتر شد و هنگامی که ۲۰ سالگی را پشت سر گذاشت، با تشنج‌های مهارنشده و بسیار شدید (صرع گردن‌مال) مواجه شد. پزشکان تصمیم گرفتند مغز او را جراحی کنند. هدف از جراحی او «برداشتن دوطرفه بخش داخلی لوب تمپورال مغز» بود. قرار شد این جراحی را دکتر ویلیام اسکاوایل انجام دهد. در واقع، دکتر اسکاوایل می‌خواست برای درمان تشنج‌های این بیمار، بخش‌هایی از مغز او را از سرش خارج کند. بالاخره جراحی انجام شد و خوبی ماجرا این بود که پس از جراحی، تشنج‌های HM کمتر و کم‌خطرتر شد. اما بدی ماجرا این بود که او دچار فراموشی پیش‌گستر و پس‌گستر شدیدی شد. اگر بخواهیم دقیق‌تر صحبت کنیم، باید بگوییم که او پس از جراحی تقریباً هیچ چیزی را در فاصله ۱۰ سال قبل از جراحی‌اش به خاطر نمی‌آورد (فراموشی گذشته‌نگر^(۱)). بدتر اینکه او پس از جراحی‌اش دیگر قادر نبود هیچ چیزی را به خاطر بسپارد (فراموشی پس‌گستر^(۲)). دوام حافظه او به ۹۰ ثانیه تقلیل یافته بود. به بیان دیگر، گویی او هر ۹۰ ثانیه یک‌بار از خواب بیدار می‌شد؛ به طوری که اصلاً به خاطر نمی‌آورد ۲ دقیقه پیش کجا بوده یا با چه کسی صحبت می‌کرده است.

آن عمل جراحی که بر مغز HM انجام شد، اولین باری نبود که به انجام می‌رسید؛ یعنی کم‌وبیش می‌شد حدس زد که پس از آن جراحی، عواقب ناخوشایندی در انتظار HM خواهد بود. خود دکتر اسکاوایل نیز این جراحی را بارها برای سایر بیماران مبتلا به اختلالات اعصاب و روان انجام داده بود و از پیامدهای احتمالی آن کم‌وبیش آگاه بود. اینکه چرا او با وجود اطلاعش از عواقب این جراحی، باز هم این عمل را انجام داد، چندان روشن نیست اما در این میان باید ملاحظات اخلاقی دیگری در خصوص نقش سایر پزشکان و شیوه مواجهه آنها با خطای همکاران‌شان نیز مورد توجه قرار گیرد.

شاید یکی از بهترین توصیه‌ها به شما و سایر افرادی که دوست دارند ادامه این ماجرا را با جزئیات بخوانند و بدانند، خواندن کتاب *روح حافظه* به قلم فیلیپ هیلتز در سال ۱۹۹۶ باشد. در هر صورت، آن جراحی برای HM در حکم فاجعه‌ای تمام‌عیار بود؛ اگر چه احتمالاً خودش هیچ درکی از عمق این فاجعه نداشت، چرا که پس از جراحی اصلاً نمی‌توانست بفهمد چه بلایی سرش آمده؛ و حتی اگر یک لحظه می‌توانست بفهمد که چه اتفاقی برایش افتاده، لحظه‌ای بعد آن را فراموش می‌کرد. در عین حال، همین فاجعه‌ای که برای HM اتفاق افتاده

1. Retrograde Amnesia
2. Antrograde Amnesia

بود، برای بسیاری از روان‌شناسان در حکم فرصتی طلایی بود. عده زیادی از آنها برای مطالعه وضعیت حافظه HM صف کشیدند و با استفاده از انواع و اقسام آزمایش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها تلاش کردند به درک تازه‌ای در خصوص انواع و اقسام حافظه (از حافظه کوتاه‌مدت و بلندمدت گرفته تا **حافظه آشکار و ناآشکار**) دست یابند.

نتیجه انواع مختلفی از تحریکات (از جمله الکتروشوک و نویز سفید) بر روی مغز HM آزمایش شد (کور کین، ۱۹۸۴؛ پارکین، ۱۹۹۶). «یکی از ویژگی‌های حیرت‌انگیز HM این است که او تقریباً از هیچ چیزی شکایت نمی‌کند... با هیچ چیزی مخالفت نمی‌کند و تقریباً همیشه آماده همکاری با شماست... مثلاً اگر از او بخواهید برای مدتی طولانی در وضعیت خاصی بنشیند، بدون هیچ شکایتی دقیقاً در همان وضعیت خواهد نشست.» (کور کین، ۱۹۸۴، صفحه ۲۵۱).

این آزمایش‌ها و پژوهش‌ها، به مدت چهل سال، تا وقتی که HM پا به دهه ششم عمر گذاشت، ادامه یافت. اما در این سنین، وضعیت ذهنی و شناختی او با سرعت بیشتری رو به وخامت گذاشت. یکی از روان‌شناسان در نوشته‌های خود به نقش بارز HM در دستیابی پژوهشگران به یافته‌های ارزشمند درباره حافظه اشاره کرده است: «اینکه کمک‌های HM به روان‌شناسان در شناخت بهتر و عمیق‌تر حافظه، از سر خود آگاهی نبوده است؛ ذره‌ای از دین ما و علم روان‌شناسی به او کم نمی‌کند» (اوگدن و کور کین، ۱۹۹۱، صفحه ۱۹۵).

داستان زندگی HM در کتاب‌های روان‌شناسی متعددی بازگویی و بازنویسی شده است. اما هرگز این پرسش مورد بحث و بررسی عمیق قرار نگرفته است که چگونه از او رضایت آگاهانه برای انجام تحقیقات

روان‌شناختی بلندمدت (بیشتر از ۴۰ سال) اخذ شده است؟! او نمی‌دانست که چه اتفاقی دارد برایش می‌افتد و حتی نمی‌دانست که چه کسانی دارند چنین اتفاقاتی را برایش رقم می‌زنند. آنچه برای او اتفاق افتاد، واقعاً مصداق چه بود؟ حسن استفاده از یک فرصت طلایی برای دستاوردهای علمی یا سوءاستفاده از بیماری بدقبال که زندگی‌اش در اثر جراحی ناموفق ویران شد؟ در حال حاضر، مغز قطعه‌قطعه شده او در دانشگاه کالیفرنیا در سن دیگو آمریکا نگهداری می‌شود. اما چه کسی به ما اجازه داده است که مغز HM را پس از مرگش در دانشگاه نگهداری کنیم؟

کلیدواژه‌ها

حافظه آشکار و ناآشکار^(۱): روشی برای تقسیم انواع حافظه وجود دارد که به موجب آن، حافظه‌ای را که نسبت به آن خودآگاهی داریم، حافظه آشکار و حافظه‌ای را که نسبت به آن خودآگاهی نداریم، حافظه ناآشکار می‌نامیم.

ملاحظات اخلاقی^(۲): زمانی که در پژوهش علمی، اهداف پژوهش (یا پژوهشگر) با حقوق فردی که به عنوان سوژه در پژوهش شرکت کرده است، اصطکاک پیدا می‌کند، بحث ملاحظات اخلاقی به میان می‌آید.

رضایت آگاهانه^(۳): تا وقتی که از سوژه‌های انسانی که قرار است در پژوهش شرکت کنند، رضایت آگاهانه اخذ نشده باشد، پژوهش را نمی‌توان اخلاقی دانست. افرادی که قرار است پژوهش بر روی آنها انجام شود، باید اطلاع کاملی از اهداف و ماهیت مطالعه داشته باشند و نقش دقیق خودشان را در پژوهش بدانند.

1. Explicit and Implicit Memory
2. Ethical Issues
3. Informed Consent

ملاحظیات اخلاقی

دو موردی که به آنها اشاره شد، حاوی چند **ملاحظه اخلاقی** مهم هستند:

۱ نخستین ملاحظه اخلاقی، **رضایت آگاهانه** برای شرکت در پژوهش علمی است. شرکت کنندگان در پژوهش‌های علمی باید اطلاعات کافی درباره تحقیقی که قرار است با مشارکت آنها انجام شود، دریافت کنند و سپس آگاهانه و آزادانه با پژوهشگر یا پژوهشگران همکاری یا از همکاری با آنها خودداری کنند. این حق طبیعی، جزو حقوقی است که نخستین بار در اعلامیه نورمبرگ مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹)، پزشکان نازی آزمایش‌ها و پژوهش‌های متعددی را روی زندانیان ترتیب دادند؛ به عنوان مثال، واکنش بدن آنها را در مقابل میکروب‌ها و بیماری‌های رایج آن دوران (مانند حصبه) ارزیابی کردند و میزان مقاومت بدن آنها را در شرایط بحرانی (مانند فرو رفتن در حوضچه‌های آب یخ) سنجیدند. پس از جنگ جهانی دوم، اعلامیه نورمبرگ (رجوع کنید به کادر ۱-۱) در ۱۰ بند تنظیم شد و به عنوان یک مبنای اخلاقی قابل قبول در پژوهش‌های طبی و رفتاری مورد استفاده قرار گرفت.

۲ ملاحظه دوم، سنجش هزینه-فایده^(۱) است. طبیعی است که هر پژوهشگری برای پژوهش خود، فواید بالقوه‌ای را پیش‌بینی کرده و هزینه‌هایی را نیز متصور است. اما مسأله مهم، سنجش هزینه-فایده است؛ اینکه کدام کفه ترازو می‌چربد: هزینه یا فایده؟ پاسخ به این پرسش در پژوهش‌های پزشکی آسان‌تر از پژوهش‌های رفتاری است؛ چرا که ارزیابی منافع احتمالی در آزمایش‌های طبی امکان‌پذیرتر از آزمایش‌های رفتاری است. در فصل دوم کتاب، با تفصیل بیشتری به این موضوع می‌پردازیم.

۳ ملاحظه سوم، انتظاری است که دوران مدرن از دانشمندان می‌رود؛ انتظاری مبنی بر اینکه دانشمندان با تمام مردم محترمانه برخورد کنند و تمامی اقدامات لازم را برای *صیانت از رفاه آنها* به عمل آورند. گرما به عنوان دانشمند یا پژوهشگر، مردم را به دو گروه مهم و غیرمهم

کادر ۱-۱ کد نورمبرگ^(۱) (۱۹۴۶)

- ۱ رضایت آگاهانه سوزده‌انسانی در پژوهش‌های پزشکی ضرورت تام دارد.
- ۲ پژوهش باید برای افراد جامعه، نتایج مثبتی در پی داشته باشد که از راه‌های دیگر نتوان به آن دست یافت.
- ۳ پژوهش جدید باید مبتنی بر پژوهش یا پژوهش‌های قبلی باشد؛ به گونه‌ای که نتایج قبلی، ضرورت انجام پژوهش جدید را توجیه کند.
- ۴ به سوزده‌های پژوهش نباید هیچ‌گونه درد و رنج جسمی و روانی غیرضروری تحمیل کرد.
- ۵ از انجام هر پژوهش و آزمایشی که می‌تواند نتیجه ناخوشایندی مانند مرگ یا آسیب ناتوان کننده در پی داشته باشد، باید خودداری کرد.
- ۶ زبان‌ها و معایب پژوهش نباید بر مزایا و منافع آن بچربد.
- ۷ پژوهش باید با دقت و احتیاط کافی انجام شود تا از تحمیل هر عارضه و آسیبی به سوزده‌های پژوهش پیشگیری شود.
- ۸ پژوهش باید صرفاً توسط افراد واجد صلاحیت انجام شود.
- ۹ شرکت کنندگان در پژوهش مختارند در هر زمانی که بخواهند، از شرکت در پژوهش انصراف دهند.
- ۱۰ اگر پژوهشگر در روند پژوهش خود به شواهدی دست یافت که نشان می‌داد ادامه تحقیقاتش می‌تواند مرگبار یا آسیب‌رسان باشد، باید پژوهش خود را متوقف کند.

اقتباس از کتر^(۲)، ۱۹۷۲

1. The Nuremberg Code
2. Katz

تقسیم کنیم، آن وقت ممکن است دچار این وسوسه شویم که برای سودرسانی به گروه مهم، آزمایش‌ها و پژوهش‌هایی روی گروه غیرمهم انجام دهیم. احتمالاً آزمایش‌هایی که پزشکان نازی در طول جنگ جهانی دوم بر روی زندانیان خود انجام می‌دادند، برای خودشان چنین توجیهی داشت. البته باید بپذیریم که حتی در دنیای امروز نیز بیشتر ما احترام یکسانی برای گروه‌های مختلف مردم قائل نمی‌شویم؛ به عنوان مثال، در همین کشور انگلستان، بسیاری از ما با میل و رغبت لباس‌هایی را می‌خریم و می‌پوشیم که جزو نام‌های تجاری محبوب‌مان هستند؛ در حالی که می‌دانیم این لباس‌ها را کارگرانی در کشورهای در حال توسعه و در شرایط دشوار و نامطلوب تولید کرده‌اند؛ شرایط بفرنجی که کارگران انگلیسی اصلاً آن را تحمل نمی‌کنند. به بیان دیگر، ما با خرید محصولات این نام‌های تجاری، در واقع، اعتراف می‌کنیم که از نظر ما سلامت و آسایش کودکان کار در اندونزی (به عنوان مثال) خیلی کم‌اهمیت‌تر از سلامت و آسایش بچه‌های خودمان (در انگلستان) است.

اخلاق چیست؟

بحث دربارهٔ اخلاق از **منش اخلاقی** شروع می‌شود؛ همان قواعدی که می‌توانند به رفتارهای ما جهت بدهند. ریشهٔ این قواعد، در واقع، اصولی است که مورد پذیرش جامعه بوده و می‌تواند مبنای دستورالعمل‌های اخلاقی باشد و در رفتارهای روزمرهٔ ما مورد استفاده قرار گیرد.

این اصول می‌توانند به ما کمک کنند رفتارهای خوب و مطلوب را از رفتارهای بد و نامطلوب تمیز بدهیم. اخلاق کاربردی، چارچوبی در اختیار ما قرار می‌دهد تا بتوانیم در انجام وظایف حرفه‌ای خود به عنوان یک پزشک یا روان‌شناس یا به عنوان هر حرفه‌مند دیگری، جایگاه رفتارمان را در جغرافیای اخلاق ارزیابی کنیم.

چاره‌ای جز این نداریم که قبل از ورود به مباحث اصلی، تعریف روشنی از برخی کلمات و اصطلاحات پرکاربرد این کتاب ارائه دهیم. اما واقعیت این است که برخی از این لغات و عبارات، معنای واضح و متمایزی ندارند و این احتمال وجود دارد که آن تعریف و تبیینی که دربارهٔ یک واژه یا اصطلاح در این کتاب می‌خوانید، با تعریف و تبیین آن واژه یا اصطلاح در متن و زمینهٔ دیگر متفاوت باشد.

بهتر است از منش اخلاقی شروع کنیم؛ واژه‌ای که مشخصاً دربارهٔ رفتار آدمیان به کار می‌رود و ناظر به قواعد و قوانینی است که به ما کمک می‌کنند خوب را از بد و درست را از غلط تشخیص دهیم» (فرهنگ لغات کالینز، انتشارات هارپر کالینز، ۲۰۰۰).

کلیدواژه

منش اخلاقی^(۱): مجموعه‌ای از اصول و قواعد که مورد پذیرش جامعه قرار گرفته و به ما کمک می‌کند رفتار درست را از رفتار نادرست تشخیص بدهیم. اخلاق حرفه‌ای، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی و دربرگیرندهٔ مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که به متخصصان (مانند پزشکان و روان‌شناسان) در جهت‌گیری و قضاوت اخلاقی کمک می‌کند.

بعد از به منش اخلاقی به اخلاق می‌رسیم؛ واژه‌های که دست‌کم دو تلقی متفاوت از آن وجود دارد. تلقی اول، ناظر به هنجارهای شرعی، عرفی یا اجتماعی است که می‌تواند در ارزش‌داوری رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها (به ویژه، رفتارهای حرفه‌ای آنها) به ما کمک کند. اما تلقی دوم، ناظر به نگاه فلسفی به ارزش‌های اخلاقی است؛ به بیان دیگر، اخلاق در معنای دومش، همان منش‌های اخلاقی است (فرهنگ لغات کالینز، انتشارات هارپر کالینز، ۲۰۰۰). دانشجویی که در دانشگاه درس اخلاق می‌خواند، عمدتاً با معنای دوم اخلاق سر و کار دارد اما روان‌شناس و روان‌پزشکی که کارشان تحقیق و طبابت است، عمدتاً با معنای اول اخلاق مواجهه هستند. برای صحبت از اخلاق روان‌شناسی باید بحث را از اصولی شروع کنیم که قضاوت اخلاقی ما را شکل می‌دهند. سپس باید از این اصول اخلاقی به رهنمودها و دستورالعمل‌های اخلاقی پل بزنیم. اما وقتی می‌خواهیم این اصول و دستورالعمل‌ها را در عرصه عمل به کار بگیریم، گاهی می‌بینیم یکی از این اصول یا دستورالعمل‌ها با اصل یا دستورالعمل دیگری در تعارض قرار می‌گیرد. گاهی می‌بینیم مرز آشکاری بین اصطلاحات اخلاقی وجود ندارد.

گاه، آنچه برای ما پرسشی اخلاقی محسوب می‌شود برای دیگری قاعده اخلاقی پذیرفته شده‌ای است. حتی سازمان‌های مختلف نیز حتی سازمان‌های مختلف نیز اصطلاح‌های متفاوتی را برای اشاره به اصول اخلاقی به کار می‌برند؛ به عنوان مثال، در حالی که انجمن روان‌شناسان آمریکا (۲۰۰۲) روان‌شناسان آمریکا از اصطلاح اصل اخلاقی استفاده می‌کند، انجمن روان‌شناسان بریتانیا (۲۰۰۹) به «اصول اخلاقی مشخصی برای پژوهش بر سوژه‌های انسانی» و «رهنمودهایی برای روان‌شناسانی که با حیوانات کار می‌کنند» اشاره می‌کند. البته تفاوت نام‌ها اهمیتی ندارد. اما تفاوت دیدگاه‌ها مهم است. تمام حرف بر سر درست و نادرست و خوب و بد و راه‌هایی است که برای رسیدن به آنها انتخاب می‌کنیم. و چه مهم‌تر از این؟

خود عمل چه بوده؟	فعل
نتیجه عمل چه بوده؟	نتیجه فعل
فاعل این فعل، چه شخصیتی دارد؟ قابل اعتماد است؟	شخصیت فاعل
نیت فاعل از انجام این فعل چه بوده؟ چرا این کار را کرده؟	نیت فاعل

فعل (۱)، فاعل (۲)، نتیجه فعل (۳) و نیت یا انگیزه فاعل (۴)

از منظر اخلاق می‌توان به هر فعل از چهار زاویه نگاه کرد: خود فعل، نتیجه فعل، خود فاعل و نیت فاعل (دایگ دیلمات، ۲۰۰۱). وقتی از زاویه «نتیجه» به عمل نگاه می‌کنیم، در واقع، قضاوت مان را بر این مینا استوار می‌کنیم که آیا آن عمل با نتایج مثبتی همراه بوده یا برعکس، نتایج منفی به دنبال داشته است (رجوع کنید به نمودار ۱-۱). اگر آن عمل، نتیجه مثبتی به دنبال داشته باشد و موجب بهبود یا پیشرفتی در زندگی فرد یا افراد دیگری شده باشد، آن را «خوب» ارزیابی می‌کنیم.

وقتی زاویه دیدمان «خود فعل» است، صرفاً خود عمل را مبنای ارزش‌داوری قرار می‌دهیم. در عوض، وقتی از زاویه «خود فاعل» به فعل یک فاعل نگاه می‌کنیم، در واقع، معیار قضاوت مان این است که آن فرد که فلان کار را انجام داد، چه شخصیتی دارد: قابل اعتماد است؟ اهل فضیلت است یا اهل ردیلت؟ اخلاقی است یا غیر اخلاقی؟ و دست آخر، وقتی از زاویه «نیت فاعل» به رفتار شخص نگاه می‌کنیم، آنچه برایمان معیار قضاوت می‌شود، انگیزه و نیت شخص است. در این صورت، اگر نیت فرد خیر باشد، عملش خیرخواهانه و اخلاقی تلقی می‌شود. و برعکس. در مطالعه اخلاق، کمتر با زبان قطعیت حرف می‌زنیم و همیشه این را در نظر داریم که ارزیابی عمل از منظرهای مختلف ممکن است ما را به جواب‌های مختلفی درباره اخلاقی بودن یا نبودن آن عمل برساند.

تمرین فکری ۱: درمان

راپوف (۱۹۸۰) از اسپری آمونیاک برای تنبیه پسر بچه ۵ ساله‌ای استفاده کرد؛ پسر بچه‌ای که نابینا و ناشنوا بود و از سندرم خودآزاری رنج می‌برد. راپوف با این کار توانست میزان آسیب‌هایی را که آن پسر بچه به بدنش وارد می‌کرد، کاهش دهد.

شکی نیست که آنچه راپوف انجام داده، تکان‌دهنده بوده و احتمالاً بسیاری از شما خوانندگان این کتاب هم تا همین جای ماجرا به غیر اخلاقی بودن کار راپوف رأی داده‌اید. اما

تمرین فکری (۵) ۱-۱

با استفاده از چهار دیدگاهی که در نمودار ۱-۱ ارائه شد، تحلیل اخلاقی خودتان را درباره دو مسئله زیر ارائه دهید.

مثال ۱. راپوف^(۶) (۱۹۸۰) از اسپری آمونیاک برای تنبیه پسر بچه ۵ ساله نابینا و ناشنوایی استفاده کرد که مبتلا به سندرم خودآزاری بود. او با این کار توانست میزان آسیب‌هایی را که آن پسر بچه به بدنش وارد می‌کرد، کاهش دهد.

مثال ۲. در سال ۲۰۰۳، دولت آمریکا و دولت انگلستان تصمیم گرفتند با دولت عراق وارد جنگ شوند. بسیاری با این جنگ مخالف بودند. تردیدی نیست که مخالفت با اصل جنگ کاملاً پذیرفته است اما مسئله این است که در میدان عمل، در چنان شرایطی که شرحش را می‌دانید، ورود به آن جنگ، اخلاقی بود یا غیر اخلاقی؟

1. Action
2. Character
3. Consequence
4. Motives
5. Reflective Exercise
6. Ropoff